

Social Functions of Temporary Marriage in the Qajar Period

Hasan Zandiyeh *, Ahmad Dastavan **

Abstract

In Islam, marriage can be categorized into two groups: temporary (Nikah mut'ah) and permanent. The former was ubiquitous during the Qajar dynasty, always existing in Iranian history and continued when the Qajar dynasty ruled over Iran. Generally speaking, it may be noted that temporary marriage was established in the history of Iran. Depending on various social conditions such as insecurity, famine, economic crises, or peace and quiet and improved economic situations, this type of marriage probably had various functions under different circumstances and historical periods, however. Based on this, the main question of this research is that what were the social functions of temporary marriage seen in marriage contracts during the Qajar dynasty? That is, why did temporary marriage occur during this period? The major claim is that the practice of temporary marriage stemmed from different reasons including to sexual appeal, earning income and addressing women's basic needs, taking religious tips, female infertility, escaping everyday life, learning marriage etiquettes, the instrumental view of a man toward a woman as an ornament of the house, prosperous men's efforts on keeping up with the Joneses, females' contributions in agriculture, and political and economic interests.

Keywords: Document, Temporary Marriage, Social Function, Qajar Period

* Assistant professor of history, Tehran university, Tehran, Iran, (corresponding author),
zandiyehh@ut.ac.ir

** M.A in archival documents and bibliography, Tehran University, Tehran, Iran
ahmaddastavan69@gmail.com

Date received: 2022/08/20, Date of acceptance: 2022/12/16



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت در دوره‌ی قاجار

حسن زندیه*

احمد دستوان**

چکیده

ازدواج در دین اسلام به دو صورت دائم و موقت می‌باشد؛ در عصر قاجار ازدواج دائم و موقت نیز انجام می‌گرفت؛ در شرایط و دوره‌های مختلف تاریخی ممکن بود ازدواج موقت کارکردهای مختلفی داشته باشد و برحسب مقتضیات جامعه از جمله نبود امنیت، قحطی، مشکلات اقتصادی و یا صلح و آرامش و بهبود وضعیت اقتصادی، کارکردهای متنوعی داشته باشد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت در دوره‌ی قاجار چه بوده است؟ به عبارت دیگر، ازدواج موقت در دوره‌ی قاجار به چه عللی انجام می‌گرفت؟ مدعای اصلی این است که کارکردهای اصلی ازدواج موقت در این دوره بنا به علل گوناگونی از جمله ارضای نیازهای جنسی؛ کسب درآمد و تأمین نیازهای اولیه زنان؛ سفرهای زیارتی؛ نازا بودن زن عقدی مرد؛ بیرون آمدن از زندگی یکنواخت مرد؛ یادگیری آداب همسررداری؛ نگاه ابزاری مرد به زن به عنوان زینت خانه و چشم و هم‌چشمی بین مردان ثروتمند؛ خدمت به زن عقدی یا برای کمک در کارهای کشاورزی؛ مصالح سیاسی و اقتصادی صورت می‌گرفت.

کلیدواژه‌ها: سند، ازدواج موقت، کارکرد اجتماعی، دوره قاجار.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) zandiyehh@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

ahmaddastavan69@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵



۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل رایج تاریخ بشری ازدواج است. ازدواج در ایران نیز تحت تأثیر زمان و به‌حسب فرهنگ و دین هر دوره می‌توانست انواع مختلفی داشته باشد. با ورود اسلام به ایران، دو نوع ازدواج رواج پیدا کرد. (در ایران باستان هم علاوه بر ازدواج دائم، سه نوع ازدواج موقت وجود داشت که عبارت بود از: چگری، ایوگین و ستوری (مظاهری، ۱۳۷۷: ۸۸). نوع اول ازدواج، نکاح دائم بود که مهم‌ترین و اصلی‌ترین نوع ازدواج در ایران محسوب می‌شد. این نوع ازدواج به این صورت بود که مرد و زن به‌طور دائم با هم ازدواج می‌کردند و اگر زمانی می‌خواستند از هم جدا شوند یا به اصطلاح طلاق بگیرند، باید شرایط ویژه و الفاظ مخصوص به خود را انجام دهند. اما نوع دیگر ازدواج، نکاح منقطع یا متعه بود که به موازات ازدواج دائم در ایران وجود داشت و تا به امروز هم در ایران رواج دارد. این نوع ازدواج، شباهت و تفاوت‌هایی با نکاح دائم دارد. مهم‌ترین تفاوت این نوع ازدواج، وجود مدت و اجرت می‌باشد. یعنی در ازدواج موقت حتماً می‌بایست مدت ازدواج آشکارا معلوم باشد. دیگر آنکه میزان اجرت یا مهریه هم حتماً باید در سند ازدواج قید شود. میزان مدت در سند می‌توانست از یک ساعت تا نود و نه سال باشد، که با استفاده از همین شاخص مدت می‌توان کارکرد اجتماعی این نوع ازدواج را مشخص کرد. همچنین میزان اجرت هم می‌توانست از یک شاخه گل تا پول نقدی و اجرت جنسی باشد. به‌هر حال، بعد از اینکه زوج و زوجه بر سر مدت و اجرت به توافق رسیدند و نیز صیغه هم جاری شد، مدت ازدواج شروع می‌شود و پس از پایان آن مدت، مرد و زن به‌طور خودکار و بدون ذکر هیچ لفظی، از هم جدا می‌شوند. البته این نوع ازدواج فقط میان شیعیان رواج داشت و اهل سنت این نوع ازدواج را مردود می‌دانستند.

این نوع ازدواج در عصر قاجار رواج فراوانی داشت؛ برای مثال سرشماری شهرداری تهران در سال ۱۳۰۱ ق برآورد می‌کند که تعداد ۴۳۰ زن صیغه‌ای در تهران وجود داشته که البته این تعداد بسیار کمتر از آن مواردی است که در منابع این دوران به آن اشاره شده است (شهری، ۱۳۶۸/۱: ۶۳). در این دوره همچنین ازدواج موقت خارجی‌های ساکن ایران نیز گزارش شده است (فلور، ۲۰۱۰م: ۱۴۰-۱۴۵)؛ اما متأسفانه تعداد اسناد ازدواج موقت در مراکز آرشیوی بسیار اندک می‌باشد و این کار را برای تحقیق همه جانبه‌ی پژوهشگران بسیار دشوار می‌کند؛ اما به‌هر حال تعداد ۳۵ سند از دوره‌ی قاجار به‌دست آمد که می‌تواند بررسی درخوری در این رابطه کرد. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت در دوره قاجار با توجه به متعنه‌نامه‌های این دوره چه بوده است؟ به‌منظور اثبات و پاسخ

به این پرسش ناچار باید به کتب تاریخی و اسناد رجوع کرد؛ زیرا بدون توجه به کتب تاریخی، نمی‌توان تحلیل درستی از داده‌های اسناد متعه به دست آورد. با بررسی صورت‌گرفته، مدعای این پژوهش آن است که کارکردهای اصلی ازدواج موقت در این دوره متناسب با شاخص مدت در متعه‌نامه‌ها عبارت است از: لذت جنسی و ارضای شهوات؛ تأمین مایحتاج زندگی و کسب درآمد برای زنان؛ سفر به شهرهای زیارتی؛ کارکردهای سیاسی و امنیتی؛ برقراری پیوند با خانواده شاهی و بزرگان قاجاری.

۱.۱ هدف پژوهش

هدف از این پژوهش، تبیین و تحلیل کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت در دوره قاجار، در بین عامه‌ی مردم (شهری و روستایی) و نیز در بین شاهان است. در این مقاله به علل روی آوردن زنان و مردان به این نوع ازدواج در حوزه‌های گوناگون پرداخته شده است. همچنین به علل گرایش دسته‌بندی‌های دو گروه یاد شده در فوق نیز توجه شده است. شایان ذکر است که در این مقاله به ۲۵ سند متعه رجوع شد و از آنها هم برای غنای بیشتر مقاله و نیز برای اثبات مدعا کمک گرفته شد.

۲.۱ پرسش و فرضیه پژوهش

پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که کارکرد های اجتماعی ازدواج موقت در دوره قاجار چه بوده است؟ به عبارت دیگر به چه عللی این نوع ازدواج بین اقشار مختلف مردم انجام می‌شده است؟ مدعای پژوهش پیش رو آن است که در آن دوره به علل گوناگون از جمله: ارضای نیازهای جنسی؛ کسب درآمد و تأمین نیازهای اولیه زنان؛ سفرهای زیارتی؛ نازا بودن زن عقدی مرد؛ بیرون آمدن از زندگی یکنواخت مرد؛ یادگیری آداب همسررداری؛ نگاه ایزاری مرد به زن به عنوان زینت خانه و چشم و هم‌چشمی بین مردان ثروتمند؛ خدمت به زن عقدی یا برای کمک در کارهای کشاورزی؛ مصالح سیاسی و اقتصادی این نوع ازدواج انجام می‌گرفته است. در این دوره می‌بایست زنان را به دو دسته‌ی زنان شهری و زنان غیرشهری (روستایی، عشایر) تقسیم کرد؛ زیرا منابع دست اول مانند متعه‌نامه‌ها، سفرنامه‌ها و کتب تاریخی نیز به نوعی به این تفاوت قائل‌اند.

درواقع زنان غیرشهری بیشتر به دلیل فقر و تنگدستی یا کمک به کارهای کشاورزی به صیغه در می‌آمدند، ولی زنان شهری اغلب به دلیل مسافرت یا نازا بودن به ازدواج مرد دیگری در می‌آمدند.

۳.۱ روش پژوهش

شیوه‌ی گردآوری اسناد و تحلیل آنها در این پژوهش، براساس روش کتابخانه‌ای و مطالعه‌ی اسناد استوار است.

۴.۱ پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع این پژوهش تاکنون پژوهش مستقلی با تکیه بر منابع دست اول صورت نگرفته است. بشری دلریش در کتابی با عنوان «زن در دوره قاجار» به بررسی وضعیت تاریخ اجتماعی زنان پرداخته و همچنین اشارات مختصری درباره‌ی ازدواج موقت دارد. منصوره اتحادیه نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «موقعیت اجتماعی زنان در آغاز قرن ۱۴ ه ق» به بررسی اوضاع اجتماعی زنان پرداخته است اما توضیحی درباره‌ی ازدواج موقت نداده است. محمدمیر احمدزاده و محمد نیازی در مقاله‌ای با عنوان «ساخت فرهنگی-اجتماعی نهاد ازدواج در دوره قاجار» به بررسی نهاد ازدواج در دوره قاجار می‌پردازند. نویسندگان در بخشی با عنوان ازدواج موقت، مهار نیروی جنسی درون خانواده، فقط تیتروار به کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت در این دوره اشاره کرده است‌اند ولی هیچ توضیح مفصلی درباره آنها به دست نمی‌دهند.

۲. نقش مدت در نکاح منقطع

همان‌طور که آمد؛ نکاح در شریعت اسلام به دو صورت انجام می‌گیرد؛ نکاح دائم و نکاح منقطع که در اصطلاح قرآنی به آن متعه می‌گویند. ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی در تعریف نکاح منقطع بیان می‌دارد: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد». اگرچه این دو نوع ازدواج با هم شباهت‌های زیادی دارند، ولی چند تفاوت اصلی میان این دو نوع ازدواج وجود دارد؛ درواقع تمایز این دو نوع ازدواج در چند مورد می‌باشد؛ اولین تفاوت، همان‌طور که در تعریف قانون مدنی نیز آمده، در مدت نکاح است؛ یعنی در نکاح منقطع زن و مرد تصمیم می‌گیرند به‌طور موقت با هم ازدواج کنند و پس از پایان مدت، اگر مایل بودند که دوباره مدت

را تمدید کنند، عقد را تجدید می‌کنند ولی اگر مدت تمام شود و هیچ تجدیدی هم در عقد صورت نگیرد، با انقضای مدت، مرد و زن از هم جدا می‌شوند؛ این در حالی است که فلسفه‌ی نکاح دائم ایجاد نسل و دوام آن است (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۱۱).

تفاوت دوم در اجرت یا مهریه است. در ازدواج موقت دو شرط و رکن اساسی وجود دارد و آن تعیین مدت و میزان مهریه است؛ بنابراین، اگر در عقد موقت میزان مهریه مشخص نشود یا مهر مالیت نداشته باشد و یا مجهول بماند، عقد باطل می‌گردد. (ماده ۱۰۹۵ ق.م.) همچنین در نکاح منقطع، نباید مهر مجهول باشد، زیرا در این نکاح مهر عوض است و اگر شرط مجهول موجب جهل به مهر شود، مهر ساقط می‌شود و چون مهر یکی از ارکان اصلی این نکاح است، پس عقد نیز باطل می‌شود. گفتنی است که مرد می‌تواند از تسلیم مهر امتناع نماید و آن را موکول به تمکین سازد و زن نیز حق دارد تمکین را منوط به گرفتن تمام مهر کند. همچنین اگر در نکاح موقت مهریه به شکل تعلیق در منشأ تعیین شود، معلق علیه امر محتمل الوقوع است و مهریه با قصد انشاء زوجین تعیین شده است؛ لیکن اگر ماهیت مهریه‌ی انشاء شده در عالم اعتبار، به وقوع امر دیگری معلق شده باشد، این امر موجب بطلان عقد خواهد شد؛ بنابراین، «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». گفتنی است که حوادثی مانند، فوت زن در زمان ازدواج، عدم نزدیکی شوهر با زن، اتمام مدت عقد با بخشیدن زمان عقد از طرف شوهر، مهر را ساقط نمی‌کند (مواد ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸ ق.م.)

تفاوت سوم، اراده و آزادی بیشتر زوج و زوجه در نکاح موقت است. در واقع زوج و زوجه می‌توانند درباره شرایط عقد، مانند مدت، نفقه، اجرت، نسل و تمکین بیشتر اراده خود را دخالت و لحاظ کنند (ماده ۱۰ ق.م.). این در حالی است که در نکاح دائم یک سری محدودیت‌هایی وجود دارد که اگر طرفین هم نخواهند آن را بپذیرند، باز هم قانون این اجازه را به آنها نمی‌دهد. نفقه، توارث و طلاق از این موارد می‌باشد (لطفی، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۲؛ وثیق‌زاده انصاری، ۱۳۸۰: ۵۸).

تفاوت چهارم در آن است که متعه از ویژگی‌های مذهب شیعه است و در فقه اهل سنت این ازدواج مجاز نیست. فقهای شیعه برای اثبات این نوع ازدواج، به آیه‌ی ۲۴ سوره نساء^۱ استناد می‌کنند (صفایی و امامی، ۱۳۷۰: ۱۷).

قانون مدنی با تأکید بر لزوم تعیین مدت در نکاح موقت، در ماده‌ی ۱۰۷۶ مقرر می‌کند: «مدت نکاح موقت باید کاملاً معین شود». این ماده نشان می‌دهد که علم تفصیلی نسبت به

مدت نکاح موقت لازم است (لنگردوی، ۱۳۷۶: ۱۲۰). معنی این ماده از قانون مدنی بدین معناست که مدت باید به‌طور دقیق ثبت شود و هیچ شبهه‌ای نداشته باشد و ابتدا و انتهای آن می‌بایست کاملاً مشخص باشد، حتی اگر مدت نکاح یک روز یا یک ساعت و یا سی یا چهل سال باشد (گنجی، ۱۳۸۴: ۷۹).

در مورد اینکه اگر در نکاح منقطع مدت ذکر نشود، چه خواهد شد، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ بعضی عقیده دارند که عقد نکاح به دائم مبدل می‌شود (حرعاملی، ۴۷/۲۱-۴۸؛ موسوی الخمینی، ۲۹۰/۲)، برخی دیگر عقیده دارند که عقد باطل است (شهید ثانی، ۱۳۸۸: ۲۰۳)، زیرا در نکاح منقطع، تعیین مدت شرط است، پس چنانچه عقد فاقد این شرط باشد، باطل است. همچنین گفتنی است که در قانون مدنی، ماده ای مبنی بر این که اگر در ازدواج موقت مدت ذکر نشود، عقد باطل است، وجود ندارد. برخلاف این، در قانون مدنی ماده‌ی ۱۰۹۵ به صراحت اعلام شده که تعیین نکردن مهریه در ازدواج موقت، موجب بطلان آن خواهد شد.

۱.۲ میزان مدت

با توجه به آنکه در قانون مدنی ماده‌ای مبنی بر تعیین مدت در ازدواج موقت وجود ندارد، اراده‌ی طرفین در اینجا بسیار تأثیرگذار خواهد بود. مدت ممکن است بسیار کوتاه مثلاً یک یا چند ساعت یا بسیار طولانی مثلاً ۹۹ سال باشد، اما بهتر آنست که کمتر از نصف روز نباشد (خاتون‌آبادی، برگ ۲۵). همچنین مدت باید به‌طوری قاطع باشد که اختلاف در میزان آن پیش نیاید (مدنی، ۱۳۸۵/۸: ۱۸۸).

اگر در ضمن عقد، مدت ذکر شود ولی ابتدا و انتهای آن مدت تعیین نشده باشد، مانند اینکه مردی، زنی را به مدت یک سال به عقد نکاح موقت خود در بیاورد و معلوم نکند آغاز یک سال از چه زمانی است، گفته شده است ابتدای آن از زمان عقد محسوب می‌گردد؛ زیرا اطلاق عقد اقتضاء دارد که مدت بلافاصله شروع شود (امامی، ۱۳۷۰/۵: ۱۰۲).

در مورد این مسئله که اگر مدت در نکاح موقت، منفصل از عقد قرار بگیرد، چه باید کرد، مانند آنکه مردی، زنی را به مدت سه ماه به نکاح موقت خود در آورد، ولی شروع مدت را از ماه بعد قرار دهد، برخی از حقوق‌دانان برآنند که این امر منافات با منجز بودن نکاح موقت ندارد و صحیح است (همان)؛ اما برخی دیگر عقیده دارند «آغاز مدت ازدواج موقت باید پیوسته به

کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت ... (احمد دستوان و حسن زندیه) ۱۲۷

زمان انعقاد عقد باشد و نباید جدای آن باشد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۲۱؛ گنجی، ۱۳۸۴: ۸۰).

در ازدواج موقت مرد می تواند مدت را به زن ببخشد؛ به عبارت دیگر، این مرد است که می تواند تمامی مدت یا بخشی از مدت را بذل کند. بخشش در ازدواج موقت، ابراء ذمه است، از این رو، در آن قبول زن معتبر نیست.

۳. علل اجتماعی ازدواج موقت در عصر قاجار

همانطور که خاطر نشان گردید، این پژوهش بر آن است که عقد متعه در دوره‌ی قاجار به چه عللی انجام می‌گرفت؟ در این قسمت به علل روی آوردن مردمان این دوره به عقد موقت اشاره خواهد شد. همچنین گفتنی است که نویسندگان مقاله صرفاً براساس داده‌های اسنادی و تاریخی دست به قلم شده‌اند و خود را از رویکردهای جنسیت‌گرا مبرا می‌دانند.

۱.۳. ارضای نیازهای جنسی

در دوره‌ی قاجار به دلیل کمبود امکانات و مشقات سفر، زمان بسیار زیادی صرف آن می‌گردید. در این سفرها خصوصاً سفر کاروان‌های تجاری و بازرگانی، معمولاً افراد مدت طولانی از همسران خود دور بودند و در این زمان بود که مردان به این نوع ازدواج روی می‌آوردند (فلور، ۱۳۸۷: ۳۷). پولاک در همین رابطه می‌نویسد:

مرد ایرانی در سفر جنگ یا مأموریت به ولایات، هرگز زن خود را همراه نمی‌برد و تقریباً هر جایی که مدت زیادی درنگ می‌کند، صیغه‌ای می‌گیرد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴۷).

مدت این نوع صیغه‌ها معمولاً بسیار کوتاه بود، زیرا تمام افرادی که در این کاروان قرار داشتند، هدفشان کسب منفعت و سود بود و نه اختیار همسر، پس می‌توان حدس زد که عمده‌ی این ازدواج با مدت قلیل انجام می‌گرفت.

از طرف دیگر، کاروانسراها نیز که محل استراحت کاروانها بود، به دلیل دوری مردان از همسرانشان، محلی برای این نوع ازدواج و برآورده شدن نیازهای جنسی بود. همچنین این نوع ازدواج در منزل‌هایی که کاروان‌ها توقف می‌نمایند، بسیار متداول بود (موزر، ۲۵۳۶: ۲۱۷؛ گروته، ۱۳۶۹: ۱۴۹).

به گفته‌ی مونس‌الدوله پشت قبر آقا (باغ فردوس) کاروانسرای بود که چارپادارهای عرب و عجم در آنجا بار می‌انداختند و نزدیک این کاروانسرا یک صیغه‌خانه بود که محلی برای ازدواج موقت بود (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۱۲۴)؛ در واقع شرع مقدس این اجازه را به مردان می‌داد که به جز زن عقدی خود، به ازدواج متعه هم روی آورند. مدت این نوع ازدواج می‌توانست از یک ساعت، یک روز و یا یک ماه باشد. البته گفتنی است که نویسندگان به سندی که مدت آن به ساعت یا یک روز باشد برنخوردند، ولی همان طور که شرع اجازه داده است، این کار مانعی ندارد. کم‌ترین مدتی که عقد متعه صورت گرفته، یک ماه می‌باشد و مربوط به شهر مشهد می‌باشد.^۲

۲.۳ کسب درآمد و تأمین نیازهای اولیه برای زنان

در دوره‌ی قاجار به علل مختلفی همچون جنگ، قحطی و ... ممکن بود زنان از نظر مالی با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند. ازدواج موقت برای زنان یکی از راه‌های کسب درآمد بود. ادوار براون در این زمینه می‌نویسد:

صیغه در تمام ایران متداول است، ولی مخصوصاً در کرمان زیاد تر از جاهای دیگر است، زیرا به‌واسطه‌ی اینکه مردم ایران خیلی فقیر هستند، مختصر وجهی که یک زن صیغه بابت مهر از شوهر موقتی خود دریافت می‌کند، برای او قابل توجه می‌نماید و پدر و مادر با رضایت، دختران خود را به صیغه می‌دهند که چیزی عاید آنها شود (براون، ۱۳۷۵: ۵۳۴).

این کسب درآمد ممکن بود به‌صورت نقدی و یا به‌صورت جنسی باشد. در شهرها و در کاروانسراها صیغه‌خانه‌هایی وجود داشت که در آن یک روحانی صیغه عقد را بین زنان و مردان می‌خواند. از آنجا که اجرت یا مهریه در عقد متعه به‌صورتی است که مرد ملزم به پرداخت آن است و حتماً باید در سند ذکر گردد، برای همین این زنان سعی می‌کردند به این نوع ازدواج روی بیاورند.

مونس‌الدوله می‌نویسد:

در کرمان دختر تا هشت - نه ساله می‌شد، او را در مقابل دو تومان یا سه تومان به یک آقای صیغه می‌دادند. آن آقا هم بعد از دو سه ماه صیغه‌ی او را پس می‌خواند و دختر دیگری را در مقابل سه تومان صیغه می‌کرد (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۳۳۶).

در رابطه با این رویکرد نسبت به ازدواج موقت، باید گفت که مدت آن کوتاه بود. به این شکل که زنانی که هدفشان از این نوع ازدواج کسب درآمد بود، سعی می‌کردند با صیغه‌ی کوتاه‌مدت اولاً هم از اجرت تعیین شده در سند متعه بهره‌برداری کنند و ثانياً بعد از پایان مدت صیغه به عقد موقت دیگری درآیند.

۳.۳ سفرهای زیارتی

این نوع ازدواج بیشتر زنانی را شامل می‌شد که اکثراً بیوه بوده یا هنوز شوهری اختیار نکرده بودند. به همین منظور، چون نمی‌توانستند به‌تنهایی مسافرت کنند، مخصوصاً سفری که فاصله‌ی زیادی با محل زندگی آنها داشت، به عقد کوتاه‌مدت روی می‌آوردند. در واقع صیغه‌ی چارپادارها شدن، برای رفتن به سفر کربلا یا مشهد، یکی دیگر از علل این نوع ازدواج بود. مونس‌الدوله می‌نویسد:

بعضی از زن‌ها که خرج راه و محرمی نداشتند که آنها را به کربلا ببرد، صیغه چارپادارها می‌شدند و با آنها به کربلا و یا مشهد می‌رفتند. این زن‌ها به این شرط صیغه چارپادارها می‌شدند که آنها را به کربلا ببرند. کربلایی خانم‌ها همین که صیغه‌شان تمام می‌شد، یا در کربلا می‌ماندند و صیغه‌ی زیارت‌نامه‌خوان‌ها و روضه‌خوان‌ها می‌شدند و یا این‌که دوباره صیغه‌ی چارپادارهای عرب می‌شدند و به ایران برمی‌گشتند (مونس‌الدوله، همان: ۱۲۴-۱۲۵).

کرزن نیز با انتقاد از این نوع ازدواج می‌نویسد:

من با تأسف بسیار اظهار می‌کنم که عده‌ای زوار ساده و خرسند که از راه خشکی یا دریا برای زیارت کردن بارگاه امام می‌روند، با کیفیتی که بیان شده است، ترغیب می‌شوند که آن روزگار عیش و لذت را با سفر تازه‌ای چنانکه در زبان بومی انگلیسی هم به‌عنوان خوشی جانانه تعبیر می‌شود، تجدید نمایند. (کرزن، ۱۳۶۷: ۲۳۱).

به‌عبارتی می‌شود گفت این زنان برای سفرهای زیارتی به‌نوعی مجبور بودند که صیغه‌ی مردی شوند. دلیل آن را شاید بتوان در سختی‌ها، مشقت‌ها و درامان ماندن از راهزنان برای زنان بیان کرد. مدت کوتاه صیغه در این سفرها بستگی به مسافت راهی داشت که آنها طی می‌کردند. برای مثال، طبیعی بود که اگر زنی از تهران صیغه‌ی چارپاداری می‌شد و قصد سفر به کربلا را

داشت، نسبت به زنی که از همان تهران صیغه چارپادار دیگری می‌شد و قصد سفر به مشهد را داشت، مدت عقد بیشتر بود.

۴.۳ نازا بودن زن عقدی

گاهی اوقات اتفاق می‌افتاد که مرد دارای یک زن عقدی بود و به او علاقه‌ی فراوان داشت؛ اما به دلیل نازا بودن زن، یک زن متعه نیز اختیار می‌کرد (سی. کوپر، بی تا: ۵۴).

عین السلطنه در این باره می‌نویسد: «حضرت نایب‌السلطنه چهار زن دو روز پیش گرفته و خیال دارد سه و چهار زن دیگر بگیرد تا بخت کدام یاری کند و اولاد نرینه بزاید. خیلی خوشبخت خواهد بود کسی که پسری بیاورد.» (قهرمان میرزا سالور، ۱/۱۳۷۴: ۳۴۰)

مدت این عقد معمولاً بلند بود؛ زیرا پس از آنکه مرد از باروری زن عقدی خود ناامید می‌شد، به عقد موقت روی می‌آورد تا از زن متعه صاحب اولاد شود و چون مراحل بارداری حدود ۹ ماه تا ۱ سال به طول می‌انجامد، مدت این نوع ازدواج موقت را می‌شود بلند در نظر گرفت. همچنین مرد اگر چهار زن عقدی داشت و از زن متعه‌ی خود صاحب اولاد می‌شد، طبیعی بود که مرد نمی‌توانست او را به نکاح دائم خود درآورد، پس ممکن بود او را به عقد موقت بلند ۹۹ ساله درآورد.

دالمانی در همین رابطه می‌نویسد: «در حقیقت شوهران موقت کسانی هستند که زن بیمار دارند.» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۳۸).

در اسناد بررسی شده تعدادی از این نوع متعه‌نامه‌ها وجود داشت که در آنها مدت صیغه ۹۹ ساله می‌باشد.^۳

۵.۳ تنوع طلبی مردان

گاهی پیش می‌آمد که مرد به دلیل زندگی یکنواخت با زن عقدی خود به زن صیغه روی بیاورد و اصلاً توجهی به سن و سال دختر نمی‌کردند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۳۷) و ممکن بود یک دختر چهارده ساله را به ازدواج یک مرد هفتادساله در آورند. در این موارد، وضع مالی و موقعیت اجتماعی مرد مورد نظر بود و نه عقیده و نظر دختر (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۸۳۶). البته این نوع ازدواج با این ویژگی بیشتر به طبقات بالای جامعه مرتبط می‌شد؛ زیرا طبقات متوسط و ضعیف جامعه فرصت و نیز امکانات لازم و کافی برای اختیار کردن یک زن دیگر را نداشتند. از اسناد به‌جامانده از دوران قاجار می‌توان دریافت که اکثر متعه‌نامه‌های این دوره با مدت متوسط به

کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت ... (احمد دستوان و حسن زندیه) ۱۳۱

افراد بالای طبقات جامعه مربوط می‌شد (ساکما: ۲۱۰-۰۸۶۶۰، ۹۹۹-۲۹۳۸۱، ۲۹۶-۱۶۴۴۵، ۲۹۶-۰۲۶۰۶۸، سایت دنیای زنان در عصر قاجار، سند ازدواج موقت احمد شاه قاجار و کبری خانم به مدت پنجاه سال، ۱۶۱۸۰۸۱) و خیلی کم پیش می‌آمد که افرادی از طبقات پایین به این نوع ازدواج با این ویژگی یعنی برای بیرون آمدن از زندگی یکنواخت، روی بیاورند؛ برای مثال، ناصرالدین شاه که در رأس هرم قدرت قرار داشت، از میان شصت زن او سه زن عقدی و بقیه صیغه بودند (کرزن، ۱۳۶۷: ۸۱-۸۲؛ تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۳۸؛ حسن بیگی، ۱۳۷۷: ۹۷). همچنین حاکم تهران هر ساله به روستاهای اطراف می‌رفت تا چند زن تازه برای صیغه بیاورد (قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۴/۱: ۸۳۰). بدیهی است حاکم تهران هم، از نظر قدرت و طبقه به قشر بالای جامعه عصر قاجار تعلق داشت؛ بنابراین، این افراد توانگران بودند که به علت نداشتن مشکلاتی نظیر مشکلات اقتصادی و... و برای سرگرمی و تنوع این ازدواج را انجام می‌دادند. مدت این نوع ازدواج نیز متغیر بود و بستگی به زوج داشت که چه مدت زوجه را به عقد موقت خود درآورد.

۶.۳ یادگیری آداب همسر داری

در دوره‌ی قاجار معمولاً رسم بر آن بود که دختران و پسران را در سن کم به عقد موقت یکدیگر در می‌آوردند (دو گوینو، بی تا: ۴۰۶-۴۰۷؛ مالکوم، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳؛ هنری لایارد، ۱۳۶۷: ۱۰۰). این کار برای مرد بدان علت بود که به بی‌بندوباری جنسی و ارضای شهوات ختم نشود و ثانیاً شیوه‌ی زندگی زناشویی را بیاموزند. بعداً با بزرگ‌تر شدن سن پسر و تجربیات به دست آمده و همچنین با به دست آوردن شغلی آبرومند، خانواده‌ی پسر برای او یک زن عقدی می‌گرفتند (مادفون روزن، ۱۳۶۹: ۱۳۸؛ لیث، ۱۳۶۶: ۱۵۵).
پولاک در همین رابطه می‌نویسد:

مثلاً نوجوان هرگاه از خانواده‌ی معتبر باشد، در حدود یازده یا سیزده سالگی و یا حتی در ده سالگی، بزرگترها برایش یک زن قراردادی که صیغه نامیده می‌شود، می‌گیرند، هنگامی که کسب و کاری پیدا می‌کند و به سن رشد واقعی می‌رسد، وی به ازدواج واقعی با دختری که از خانواده محترمی بود، تن در می‌دهد. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴۶)

مدت این نوع ازدواج هم بستگی به پسر داشت تا زمانی که زندگی زناشویی را بیاموزد و هم شغلی مناسب برای خود فراهم کند.

۷.۳ نگاه ابزاری مرد به زن

شرع اسلام به مرد این اجازه را می‌دهد که به تعداد محدود زن متعه اختیار کند و این سوی آن است که می‌تواند چهار همسر دائمی نیز داشته باشد. معمولاً در این دوره تعدد زوجات یک پدیده‌ی جاافتاده‌ای بین شاهان، شاهزادگان، حاکمان ایلات و ثروتمندان بود.

راوندی معتقد است که این نوع ازدواج در درباریان بسیار رایج تر است. او می‌نویسد: «به‌طور کلی زنان و مردان درباری چون تن به کار نمی‌دادند و قبول هیچ مسئولیتی نمی‌کردند، تمام نیرو و فکرشان متوجه عیاشی و فرونشاندن تمایلات جنسی می‌گردید.» (راوندی، ۱۳۶۸/۸: ۴۶۴)

همچنین به نوشته‌ی کاساکوفسکی، علاقه‌ی زیاد ناصرالدین شاه به زن تا حدی بود که هر هفته یک صیغه می‌گرفت و به حرمسرای خود اضافه می‌کرد (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵: ۱۳۵) اما طبیعتاً عده‌ی زنانی که مرد می‌توانست داشته باشد، بستگی به استطاعت او داشت (صفا، ۱۳۵۴: ۲۷) و اصولاً مردمان فقیر و روستایی از عهده‌ی چنین کاری بر نمی‌آمدند؛ پس این ثروتمندان یا توانگران جامعه‌ی قاجاری بودند که می‌توانستند ده‌ها زن را به عقد خود درآورند. همچنین باید یادآور شد که این توانگران با زنانی که از خانواده‌های هم‌پایه و هم‌شأن خود و نیز دارای اصل و نسب بودند، ازدواج می‌کردند. البته این ملاحظات مخصوص چهار زن عقدی مرد بود، اما در رابطه با زنان صیغه‌ای، این ملاحظات چندان مهم نبود (ماسهارو، ۱۳۷۷: ۲۱۶).

این پدیده‌ی تعدد زوجات و نیز این عرف پذیرفته‌شده در دوره‌ی قاجار باعث شد تا این افراد توانگر در درجه‌ی اول به زن یک نگاه ابزاری و کالاگونه داشته باشند و در درجه‌ی دوم باعث می‌شد تا مردان هرکدام در پی ایجاد حرمسرای برای خود باشند تا علاوه بر اینکه سعی در افزایش تعداد زنان در حرمسرای خود می‌کردند؛ بلکه همچنین در پی آن بودند تا از همگنان خود در این کار عقب نیفتند، که این کار خود باعث چشم و هم‌چشمی بین این افراد می‌گردید. مردها در این نوع ازدواج زنان را خرید و فروش می‌کردند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۴۲۳) و باعث می‌شدند زن به‌عنوان یک کالا در نظر گرفته شود.

مونس‌الدوله که خود یکی از ندیمه‌های حرمسرای ناصرالدین شاه بود، در این باره می‌نویسد:

کمتر مردی بود که یک گله زن توی حرم نداشته باشد. این که می‌گویم گله برای آن است که زن صد سال پیش در نظر مرد به منزله‌ی یک شیء زینتی خانه بود. زن خانواده‌های اعیان و اشراف بدبخت تر بود؛ زیرا هرچه رونق کار شوهر بیشتر می‌شد، دم‌دستگاه مفصل‌تری

کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت ... (احمد دستوان و حسن زندیه) ۱۳۳

به هم می‌زد، تعداد عیال‌هایش نیز به همان نسبت افزایش می‌یافت. (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۱۹۴).

لازم به ذکر است که تعدد زوجات در این دوره خود علل مختلفی داشت که باعث می‌گردید این پدیده تداوم داشته باشد. عدم تناسب جمعیتی، کثرت زنان بر مردان، بیماری و یا پیر شدن سریع زنان به‌خاطر زایمان‌های مکرر، فقدان بهداشت و داشتن حرمسرا و زنان متعدد که نشانه‌ای از شوکت و ثروت مرد بود، خودبه‌خود باعث می‌شد نظام چندزنی در ایران پا بگیرد (دلریش، ۱۳۷۵: ۲۳). مدت عقد این نوع ازدواج هم اصلاً مشخص نبود؛ چون بیشتر این مردان نگاه ابزاری به زن داشتند و اصولاً در پی رقابت با هم‌نوعان خود در پر کردن حرمسرای خود بودند، این خود باعث می‌شد تا مدت صیغه‌ی زنان کوتاه باشد تا پس از اتمام مدت، مرد بتواند زن دیگری را سریعاً جایگزین کند، زیرا صیغه‌ها را به‌راحتی می‌توان رها کرد (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۲۰). لازم به ذکر است که نباید به هیچ یک از موارد ذکر شده در بالا و میزان مدت آن به‌صورت مطلق نگریست، زیرا گاهی ممکن است که خلاف آن نیز مصداق داشته باشد پس بهتر آن است که نگاه نسبی به آن داشته باشیم.

۸.۳ خدمت به زن عقدی یا برای کمک در کارهای کشاورزی

مرد ممکن بود برای کمک به زن عقدی خود، زنی صیغه‌ای بگیرد تا در کارهای خانه و نیز کمک به زن عقدی، او را یاری کند. البته به گفته‌ی شیل زنان متعه هیچ‌گاه ارزش یک زن عقدی را نداشتند و به‌نوعی خدمتکار زن عقدی محسوب می‌شدند (شیل، ۱۳۶۲: ۸۶).

ویشارد در این باره می‌نویسد:

گاه زنان ناچار می‌شوند در خانه‌های بزرگ ثروتمندان به خدمتکاری مشغول شوند که به آنها (باجی) می‌گویند و گاه به‌عنوان زن درجه‌ی دوم به عقد کسی در می‌آیند تا خدمت زنان محبوب‌تر او را بکنند. تعدادی هم پس از سالها دربه‌دری، اسیر بیماری‌های گوناگون می‌شوند و اربابان بی‌رحم اخراجشان می‌کنند. (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۲۰).

گاهی هم مرد برای کارهای کشاورزی خود از قبیل درو کردن محصول، زنی را صیغه می‌کرد تا او را در این کار یاری کند. دالمانی در این باره می‌نویسد:

مثلاً در ایالات گیلان و مازندران، در موقع برداشت محصول برنج، توتون، زیتون و ابریشم، دهقانان با چندین زن ازدواج موقت می‌کنند و آنها را به کارهای زراعتی وا می‌دارند و

همین که زمستان نزدیک شد و دیگر کاری ندارند و مدت قرارداد هم به پایان می‌رسد، این بدبختان را از خانه بیرون می‌کنند. (دالمانی، ۱۳۳۵/۱: ۲۶۸).

گفتنی است که تعدد زوجات بین عشایر بسیار رواج داشت و این علاوه بر کمک به اقتصاد خانواده، باعث می‌شد تا کارهای مربوط به دامداری و عشایری هم زودتر به سرانجام برسد. در بین عشایر که دامداری اساس تولید بود، به دنبال آن چندزنی رواج کامل داشت و آن رابطه‌ی مستقیم با دامداری و بخصوص با تعدد دام دارد. زیرا زنان در اقتصاد دامی سهم مهمی دارند و بر اثر تقسیم کار و این که هر زنی تنها می‌تواند تعداد محدودی گوسفند را بدوشت، ایجاب می‌کند که تعداد زنان خانواده زیاد شود. البته این امر به سود مردان تمام می‌شود، چون قدرت اقتصادی دست آنها هست و به دلیل گرانی نیروی کارگر، بهترین راه استفاده از ازدواج موقت می‌باشد. در مواردی زنان ارشد خود به خواستگاری می‌روند و برای شوهرشان زن می‌گیرند، زیرا که از میزان بهره‌کشی آنها می‌کاهد. (معتضد؛ کسری، ۱۳۷۹: ۲۲۶).

همچنین مردها برای این که کارشان سبک‌تر بشود و درآمد بیشتر پیدا کنند، پشت سر هم زن می‌گرفتند و هرکدام از زن‌های ایالتی یک قسمتی از کارهای شوهر را به عهده می‌گرفت (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۲۱۷).

البته چپاول و راهزنی که در میان بسیاری از عشایر رایج بود، نیاز هرچه بیشتر به اولاد ذکور را افزایش می‌داد (دلریش، ۱۳۷۵: ۳۰). مدت عقد در این نوع ازدواج متفاوت بود. به این صورت که مردانی که زنی را برای خدمت به زن عقدی خود برای یک مدت طولانی می‌خواستند، زن صیغه‌ای را به مدت طولانی به عقد خود در می‌آوردند، اگر مردی خدمت زن عقدی را برای مدتی کوتاه می‌خواست، مدت ازدواج موقت را کوتاه قرار می‌داد. در ارتباط با یاری زنان به مردان در کار کشاورزی و ... هم باید گفت که مدت در این نوع ازدواج کوتاه بود و این مدت کوتاه بستگی به اتمام برداشت محصولات داشت.

۹.۳ مصالح سیاسی و اقتصادی

گفتنی است که این مورد مربوط به شاه و خانواده شاهی است و بیشتر این کارکرد ازدواج موقت یعنی مصالح سیاسی و اقتصادی به شخص شاه مربوط می‌شود و آنچنان که باید و شاید ارتباطی مستقیمی با توده‌های مردم این دوره ندارد. البته این سخن به این معنی نیست که توده‌های مردم به هیچ وجه برای این مسائل ازدواج نمی‌کنند، بلکه هدف از این سخن آن است که

بررسی اطلاعات مربوط به شاه تفاوت زیادی با توده های مردم دارد. یکی از مهم ترین علل ازدواج های شاه و خانواده ی سلطنتی را مصالح سیاسی و اقتصادی (بل، ۱۳۶۳: ۶۵؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۲۲۳-۲۲۴) تشکیل می داد. برای مثال ناصرالدین شاه چهل همسر از خانواده ی شاهی و سایر شعب قاجاریه در حرمسرای خود داشت (عضدالدوله، ۱۳۶۲: ۱۲). گرچه این نوع ازدواج ها، در بیشتر مواقع شامل حال خواهران و دختران شاه می شد، اما گاهی اوقات برای آرام کردن رؤسای ایالت نیز می کوشیدند که حداقل یکی از دختران رؤسای ایالت را به حرامسرای شاه بیاورند تا نزد خود اهرم قدرتی داشته باشند تا در مواقع مختلف، از این اهرم قدرت استفاده کنند. همچنین ازدواج در بین سران خوانین نیز رواج داشت که هدف از آن اتحاد میان آنها بود (کولیور رایس، ۱۳۸۳: ۶۳) گویا وصیت آغامحمدخان نیز این بود که بین قوانلو و دولو (دو تیره ی ایل قاجار) از طریق ازدواج اتحادی ایجاد شود (کسری، ۱۳۸۹: ۵۳). همچنین این نوع ازدواج وسیله ای برای برقراری صلح و ایجاد پیمان با بزرگان کشوری بود تا باعث فرونشاندن جنگ ها یا تضمینی برای ایجاد امنیت و صلح در جامعه باشد. در بسیاری از اوقات، درباریان و امرای کشوری برای حفظ مقام و منصب خویش به ویژه از عصر ناصری به بعد، از این ازدواج ها سود می جستند (معتضد و کسری، ۱۳۷۸: ۲۲۰). گاهی اتفاق می افتاد که خانواده های درباری به خاطر مصلحت با یکدیگر ازدواج می کردند تا با این کار، علاوه بر آنکه با هم فامیل می شدند، بلکه می توانستند نفوذ بیشتری هم در جامعه داشته باشند (بروگش، ۱۳۶۷: ۲۰۲).

پولاک در همین رابطه می نویسد: «مواردی گزارش شده که برابر آن، قاجارها می کوشیدند شاهزاده خانمی را به یکی از والیان کردستان و یا ایالت و عشایر دیگر به همسری بدهند تا از این طریق با آنها منافع مشترک پیدا کنند.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۰).

تاج السلطنه نیز در خاطراتش می نویسد:

معمولاً ازدواج خاندان اشراف و سلاطین برای به دست آوردن مقام و کسب املاک بیشتر صورت می گرفت. تمام ما را که مردم برای خودشان یا پسرانشان می گرفتند، مقصود اصلی، خودشان بودند که به واسطه ی داشتن دختر سلطان در خانه، هرگونه تعدی و تخطی که نسبت به مال و جان مردم می کنند، مؤاخذه نشوند. بی چاره ما که اسلحه ای برای مردم بودیم. (تاج السلطنه، ۱۳۷۱: ۴۳).

پس طبیعی بود که ازدواج های سلطنتی و درباری با حسابگری و نقشه کشی و زمینه چینی همراه بود و اندیشه ی تولید مثل و یا داشتن همسر هدف اصلی آن نبود (حجازی، ۱۳۸۸:

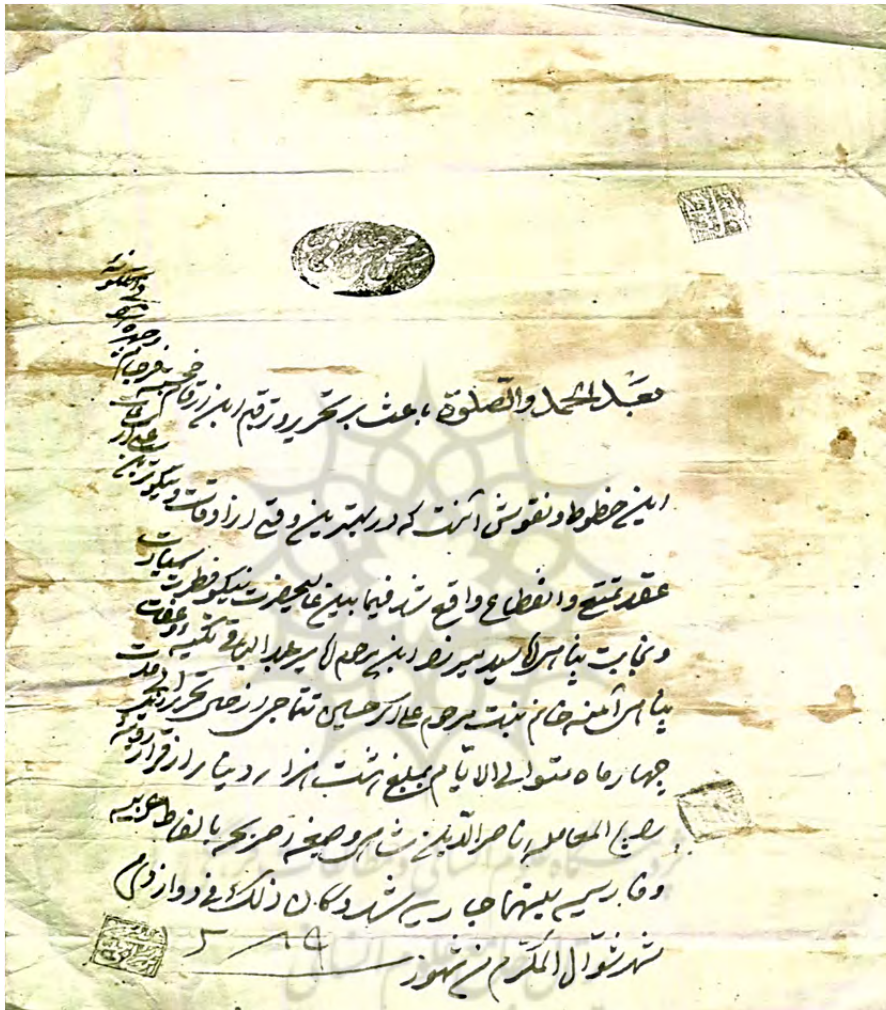
۱۴۳). مدت این نوع ازدواج بلند مدت بود، زیرا چون اکثر مرزهای ایران در زمان قاجار دچار آشوب و ناامنی بود و نیز در داخل کشور هم درگیری‌های زیادی وجود داشت، در نتیجه تا زمانی که این آشوب‌ها برقرار بود، دختران رؤسای ایالات به‌عنوان سپری برای حفظ ایران عمل می‌کردند و به‌نوعی خود را با خانواده‌ی شاهی مرتبط می‌دانستند.

۴. نتیجه‌گیری

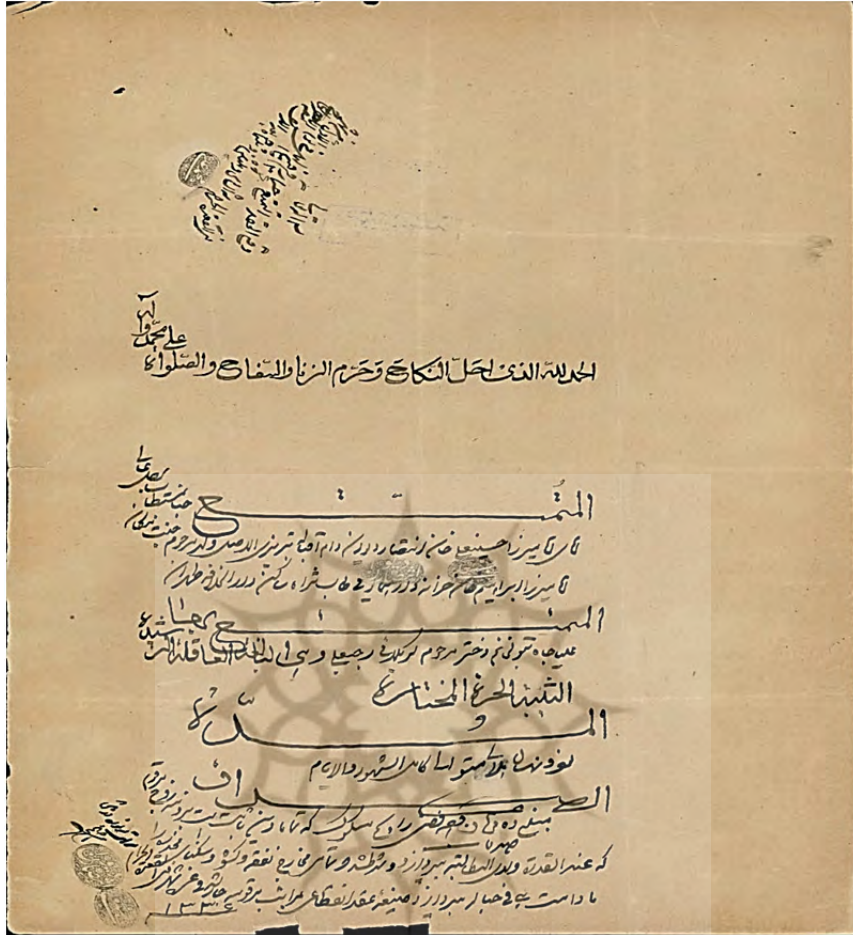
یکی از مهم‌ترین پدیده‌های تاریخ بشری ازدواج است. با ورود اسلام در ایران نیز دو نوع ازدواج رواج پیدا کرد. نوع اول ازدواج، نکاح به‌صورت دائم آن محسوب می‌شد که مهم‌ترین و اصلی‌ترین نوع ازدواج در ایران بود. نوع دیگر ازدواج، نکاح منقطع یا متعه بود که به موازات ازدواج دائم در ایران وجود داشت و تا به امروز هم کمابیش در ایران رواج دارد. مهم‌ترین تفاوت این نوع ازدواج، وجود مدت و اجرت می‌باشد. یعنی در ازدواج موقت حتماً می‌بایست مدت ازدواج آشکارا معلوم باشد. دیگر آنکه میزان اجرت یا مهریه هم باید در سند ازدواج قید شود. این نوع ازدواج در عصر قاجار رواج فراوانی داشت، اما متأسفانه تعداد اسناد ازدواج موقت که به‌عنوان مهم‌ترین منبع کمکی این پژوهش بودند، در مراکز آرشیوی بسیار اندک می‌باشد و این کار را بسیار دشوار می‌کند. اما به‌هرحال، تعداد ۳۵ سند از دوره‌ی قاجار به‌دست آمد که می‌تواند کمک خوبی برای پژوهش در این عرصه باشد. در این پژوهش سعی شد که علل اجتماعی ازدواج موقت در دوره‌ی قاجار بررسی شود. به‌منظور تلاش برای فهم این علل اجتماعی به کتب تاریخی و اسناد هم رجوع شد؛ با بررسی صورت‌گرفته می‌توان دریافت علل اجتماعی ازدواج موقت در این دوره متناسب با شاخص مدت در متعه‌نامه‌ها بدین ترتیب می‌باشد: ارضای نیازهای جنسی، کسب درآمد و تأمین نیازهای اولیه برای زنان، سفرهای زیارتی، نازا بودن زن عقدی مرد، تنوع طلبی مردان، یادگیری آداب همسررداری، نگاه ابزاری زن، خدمت به زن عقدی یا برای کمک در کارهای کشاورزی، مصالح سیاسی و اقتصادی.

ضمیمه‌ها

نمونه ای از اسناد متعه



سند شماره یک



پژوهشگاه علوم شناختی مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ زَنَانِي رَا كَه مَتَعَه كَرَدَه ايد، مهرشان را به عنوان فريضة اي به آنان بدهيد.
۲. متعنه‌نامه استاد ميرزا و فاطمه خانم به مدت يك ماه در سال ۱۳۳۷ ق در شهر مشهد (سایت دنيای زنان در عصر قاجار، ش سند: ۱۴۱۲۶۸۶۹). البته اسناد متعه با مدت بسيار کوتاه ديگري هم وجود دارد که می‌توان به آنها اشاره کرد؛ متعنه‌نامه شکرالله و زرین خانم به مدت چهار ماه در سال ۱۳۴۲ ق

۱۴۰ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- تاج السلطنه (۱۳۷۱). خاطرات تاج السلطنه، تهران: نشر تاریخ ایران.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۲). تاریخ تمدن و فرهنگ ایران (دوره قاجاریه)، شیراز: انتشارات نوید.
- تانکوانی، ژی. ام (۱۳۸۳). نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا، ج ۲، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶). حقوق خانواده، تهران: گنج دانش.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۸). تاریخ خانمها: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار، تهران: انتشارات قصیده سرا.
- حسن بیگی، محمد رضا (۱۳۷۷). تهران قدیم، تهران: دزاشیب.
- حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (بی تا). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۱، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء تراث.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره وشی (مترجم همایون)، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵). زن در دوره قاجار، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- دو گوینو، ژوزف آرتور (بی تا). سه سال در ایران، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران: فرخی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۸). تاریخ اجتماعی، ج ۷، تهران: نگاه.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- سی. کوپر، مریان (بی تا). سفری به سرزمین دلاوران، ترجمه امیر حسین ظفر ایلخان بختیاری، تهران: امیر کبیر.
- شهری، جعفر (۱۳۶۸). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۱، تهران: رسا.
- شیل، مری (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۴). تاریخ شاهنشاهی و مقام معنوی آن (بررسی‌هایی درباره فرهنگ ملی ایران)، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر.
- صفایی، حسین، امامی، اسدالله (۱۳۷۰). حقوق خانواده؛ نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- عضدالدوله، احمد میرزا (۱۳۶۲). تاریخ عضدی، تهران: سرو.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). سفرنامه، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشرفی.

کارکردهای اجتماعی ازدواج موقت ... (احمد دستوان و حسن زندیه) ۱۴۱

- فلور، ویلم (۲۰۱۰م). تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران، ترجمه محسن مینوخرد، استکهلم: انتشارات فردوسی.
- همان (۱۳۸۷). سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸). مشاهدات سفر از بنگال به ایران، ترجمه محسن جاویدان، تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.
- کاساکوفسکی، ولادیمیر آندریویچ (۱۳۵۵). خاطرات کنل کاساکوفسکی، ترجمه عباس قلی جلی، تهران: سیمرغ.
- کرزن، جرج ناتائیل (۱۳۶۷). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- کسری، نیلوفر (۱۳۸۹). زنان در تاریخ معاصر ایران، تهران: بدرقه جاویدان.
- کولیور رایس، کلارا (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹). سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- گنجی، حسن (۱۳۸۴). روابط زوجین در ازدواج موقت، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- لطفی، اسدالله (۱۳۸۸). حقوق خانواده، ج ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- لیث، فوربز فرانسیس (۱۳۶۶). کیش مات "خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم"، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات.
- مادفون روزن، کتس (۱۳۶۹). سفری به دور ایران، ترجمه علی محمد عبادی، تهران: پاژنگ.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۷). سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه: هاشم رجب زاده، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مالکوم، ناپیر (۱۳۹۳). سفرنامه یزد، ترجمه علی محمد طرفداری، یزد: مهر پازین.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۵). بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۵). حقوق مدنی، (حقوق خانواده)، ج ۸، تهران: انتشارات پایدار.
- مظاهری، علی اکبر (۱۳۷۳). خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام، ترجمه عبدالله توکل، تهران: نشر قطره.
- معتضد، خسرو، کسری، نیلوفر (۱۳۷۹). سیاست و حرمسرا (زن در عصر قاجار)، تهران: انتشارات علمی.
- موزر، هنری (۲۵۳۶). سفرنامه ترکستان و ایران، به کوشش محمد گلبن، ترجمه علی مقدم، تهران: سحر.

۱۴۲ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مونس الدوله (۱۳۸۰). خاطرات مونس الدوله، ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: انتشارات زرین.

ویشارد، جان. جی. (۱۳۶۳). بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.

هنری لایارد، اوستن (۱۳۷۷). سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: وحید.

مقالات

اتحادیه، منصوره، (۱۳۷۳)، موقعیت اجتماعی زنان در عصر قاجار در آغاز قرن ۱۴ ه ق)، کلک، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۲۷-۵۰.

احمدزاده، محمد امیر، نیازی، محمد، (۱۳۹۹)، ساخت فرهنگی - اجتماعی نهاد ازدواج در دوره قاجار (تحلیلی از فرآیند و الگوی ازدواج)، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، س نهم، ش اول، ص ۲۲-۳.

وثیق زاده انصاری، حسن، (۱۳۸۰)، جایگاه قانونی ازدواج موقت در نظام حقوقی ایران، ماهنامه دادرسی، ش ۲۷، صص ۵۷-۶۰.

منابع الکترونیکی

آرشیو اسناد سایت دنیای زنان در عصر قاجار: ۱۴۱۲۶۸۶۹، ۱۲۵۲۸۲۲۰، ۹۰۲۸۱، ۱۲۵۲۸۱۱۹، ۶۵، ۱۲۵۲۸۱۵۸، ۱۲۵۲۸۲۰۸، ۱۲۵۲۸۱۵۲، ۱۲۵۲۸۱۳۰، ۱۲۵۲۸۲۱۲، ۱۸۱۶۱۸۰، ۱۲۵۲۸۳۹، ۱۵۱۶۱۸۱۵۰، ۱۴۱۴۵۸۸، ۱۴۱۴۵۸۴۰، ۱۴۱۴۵۸۱۱۱.

<http://www.qajarwomen.org>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی